

## فولکلور سمرقند

شهر سمرقند را «صیقل روی زمین» نامیده‌اند. در این باره ترانه‌ها و سروده‌های محلی وجود دارد. در یک رباعی مردمی، بر ارتباط ناگسستنی شهرهای بخارا و مشهد با این شهر شهرتمند تأکید شده است:

سمرقند صیقل روی زمین است      بخارا قوت اسلام و دین است  
به مشهد گنبد سبزش نباشد      خوارش‌خانه روی زمین است

تذکره‌نگاران، سمرقند را شهر آزادگان، خاستگاه صدها شاعر، نویسنده، تاریخ‌نگار، فیلسوف، خطاط، صورتگر، موسیقی‌دان، ریاضی‌دان، منجم و ... ارزیابی نموده‌اند. شرایط زیستی و اقلیمی، تمدن و فرهنگ و دین و آیین و نوع تعامل و برخوردهای فرهنگی باشندگان این منطقه، در ایجادیات شفاهی سمرقندیان بی‌تأثیر نبوده است. این موضوع از دوران کهن توجه سیاحان و دقت ادبا و علما و فرهنگ‌نگاران را به خود جلب نموده است. بر اساس منابع یونانی و کتیبه‌های هخامنشی در کوه بیستون کورش کبیر در ۵۳۹ قبل از میلاد، بعد از تسخیر بابل، به عزم تصرف خوارزم، پارت، باختر و سغد با لشکر خود به سوی آسیای میانه رهسپار گردید.<sup>۱</sup>

چنان که استاد رسول هادی‌زاده در «سمرقندنامه» ابراز داشته‌اند، بازیافته‌های باستان‌شناسی افراسیاب ثابت نموده که در آن دوران، یعنی سال ۵۳۹ قبل از میلاد، پایتخت و شهر اساسی سغدیان در افراسیاب سمرقند واقع بوده است که مورخان یونانی آن را «مراقند» نامیده‌اند. به نظر استاد هادی‌زاده، قدمت تاریخی شهر سمرقند در موضع افراسیاب بیش از سه هزار سال است.

ایجادیات شفاهی مردم سمرقند در هر دور و زمان مورد استفاده و منبع مهم سرچشمه ادبی شاعران و نویسندگان، عالمان فرهنگ‌شناسان و مخصوصاً ایجادکاران واقعی قرار گرفته که یکی از آنها، حماسه‌سرای بزرگ ایرانی حکیم ابولقاسم فردوسی است که از این منابع در خلق شاهکار خویش «شاهنامه» استفاده کرده است. بی‌سبب نیست که بسیاری از سوژه‌های «شاهنامه» و فعالیت قهرمانهای آن در سرزمین توران صورت گرفته است. ابوالقاسم فردوسی فعالیت قهرمانهای شاهکار خویش را وابسته به کارنمایی‌های رستم دستان در توران‌زمین- ایران شرقی زادگاه تهمینه و سهراب بازتاب داده است. افراسیاب اشغالگر که سیاوش را ناجوانمردانه به شهادت رسانده بود و موضع شهر باستانی مراقند با نام او ارتباط دارد، بر اساس روایات کهن باشندگان این سرزمین ایران شرقی، منبعی بسیار مهم در تصنیف «شاهنامه» بوده است.

شهر سمرقند و روستاها و نواحی پیرامون آن از نیمه دوم قرن ۱۹ توجه اروپائیان، بویژه دانشمندان پادشاهی روس را به خود جلب نموده است.

ماه می سال ۱۸۶۸ ارتش روسیه پادشاهی سمرقند را به تصرف خود درآورد و در این شهر ژنرال گوبرناتوری دولتی پادشاهی روسیه را سازمان داد. قبل از اشغال آسیای میانه، روس‌ها مخصوصاً سمرقند را به بهانه سازمان دادن جمعیت‌های گوناگون جغرافیایی، مردم‌نگاری و آموزش آثار یادگاری‌های تاریخی و فرهنگی، کاملاً مورد تحقیق و بررسی قرار

دادند. از اوایل سالهای قرن ۱۹ جاسوسان روسیه تقریباً تمام اسرار خانگیری و دولت‌های آسیای میانه را به خوبی فرا گرفتند و هیچ سر و اسراری پنهان نمانده بود. زیرا پیش از تصرف کامل سمرقند و نواحی پیرامون آن، افسران روسیه که بسیاری از آنها شرق‌شناس بودند و زبان و ادبیات و تاریخ و مردم این کشور را خوب می‌دانستند، از سالهای نخستین حاکمیت ژنرال گوبرناتوری خویش، به تحقیق و بررسی آثار تاریخی و فرهنگی مردمان آن توجه می‌نمودند. همچنان که که استاد رسول هادی‌زاده در «سمرقندنامه» بسیار خوب یادآور شده‌اند: «افراسیاب هنوز پیش از تسخیر سمرقند از روی سفرنامه‌های عالمان و سیاحان روسیه که در قرن ۱۹ به آسیای میانه، مخصوصاً به بخارا و سمرقند بسیار می‌آمدند، به افسران و حاکمان روسیه سمرقند نغز معلوم بود. دانشمندان و سیاحان روس به جز آنکه خرابه‌های افراسیاب را خیلی خوب تصویر نموده‌اند، ضرورت به عمق و اصول علمی تحقیق نمودن آثار تاریخی سمرقند را ترغیب و تبلیغ می‌کردند».<sup>۲</sup> بعد از تسلط روس‌ها در آسیای میانه و مخصوصاً در سمرقند، توجه و دقت افسران و شرق‌شناسان روس به فرهنگ مردم خصوصاً به ایجادیات بدیعی سمرقندیان زیاد گردید. از جمله، بعد از ضبط آسیای میانه از جانب حکومت پادشاهی روس، در سال ۱۸۶۷ بار نخست در شهر تاشکند نمایندگی ژنرال گوبرناتوری ترکستان تأسیس یافت. با کمک این مؤسسه باصلاحیت مستملکه‌داران روسیه، نشریه ژنرال گوبرناتوری روزنامه «ترکستانسکی ویدوموستی» (اطلاعات ترکستان) تأسیس می‌یابد که در آن راجع به وضع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی، کسب و هنر، دین و آیین و مخصوصاً فرهنگ و زبان، ادبیات و مراسم‌های مردمی از جانب افسران و منصب‌داران و اعضای جمعیت‌های جغرافیایی، باستان‌شناسی و کشورشناسی روس مقاله و رساله و خبرهای گوناگون به طبع می‌رسند. مخصوصاً نوشته‌های ا.ل. افاندارینکو، م. گاوریلوف، ا. گریبونکین، ا.ک. انستراسف، ا. کاروخی، و.پ. نالیوکین، و.و. برتلد، م.س. آندریف، ا.ا.

سیمیونف و غیره راجع به روزگار و فرهنگ تاجیکان، ازبکان، قرقیزها و قزاقها و... به طور مکرر در «اطلاعات ترکستان» به زبان روسی به طبع می‌رسیدند. از جمله ۴ مارت سال ۱۸۹۷ در این هفته‌واره مقاله‌ای با عنوان «Навруз в Самарканде» (نوروز در سمرقند) چاپ شد که مؤلف به نام اختصاری «و.و.» اکتفا کرده و معلوم می‌شود که مؤلف مقاله مدتی به شهر سمرقند و اطراف و اکناف و روستاهای آن سفر نموده، با باشندگانش از نزدیک آشنا گردیده، آیین جشن نوروز را در بین مردم سمرقند مشاهده کرده و نتیجه مشاهدات خویش را پیشکش خوانندگان اروپایی کرده است. در این مقاله یک سند مهم و جالب توجه راجع به فعالیت گاهشماری احمد مخدوم دانش بیان گردیده است. چنین برمی‌آید که در گذشته ساکنان سمرقند قبل از تجلیل جشن نوروز، بعد از غروب آخرین روز هفته سال، با نواختن کرنا و سرنا و دف و نقاره، مشعل‌ها به دست به سوی نهر آب‌رحمت رهسپار می‌شده‌اند. اشخاص هنرمندان، هنر خویش را نمایش داده، باعث نشاط اهالی می‌شدند. شعبده‌بازان و شیرینکاران مردمی با حرکت‌های حیرت‌آور و هنر رقص خویش تماشاگران را شاد می‌گرداندند.

تا رسیدن به آب‌رحمت چند باره مشک‌پرانی کرده، آتش افروخته، بزم می‌آراستند و ترانه‌سرایی می‌کردند که یکی از نمونه‌های آنها دوبیتی ذیل است:

آب رحمت آمد و نوروز شد      باغ سبب و لاله دل افروز شد

هر که از جان خدمت استاد کرد      یافت علم و در جهان فیروز شد

طبق اطلاع مؤلف مقاله مذکور، در ساحل نهر آب‌رحمت گلخن‌افروزی و مشک‌پرانی

اوج می‌گرفته است.

افروختن آتش در مراسم آخرین هفته پیش از سال نو، با اصطلاحات

«چهارشنبه‌سوری»، «الوپران»، «چهارشنبه‌آخران»، «آتش‌افروز» و غیره در بسیاری از مناطق

آسیای میانه برگزار می‌گردیده است. این مراسم در سمرقند به طور عمومی برگزار گردیده، شکل کارناوال را گرفته بوده است.

طبق اطلاع مؤلف مقاله، شب سال نو غذاهای ویژه‌ای می‌پخته‌اند. مردم پیش از نوروز حیاط خانه و کوچه و پس‌کوچه‌ها را می‌روفتند. در بسیاری از خانواده‌ها، مراسم «خانه‌براران» و «خانه‌تکانی» را برگزار می‌کردند که این کار به عهده کدبانوی خانه بود. مؤلف مقاله خبر داده است که در عرفه نوروز در بازارهای سمرقند کبک، بیدانه، تَدَرُو، گوشت مرغ و دیگر پرنده‌ها به فروش می‌رسید. حتی خانواده‌های کم بضاعت دست کم سالی یک بار در سال نو از گوشت پرنده غذای ویژه سال نوی تهیه می‌کرده‌اند. کدبانوها هنگام نوروزخوانی و تبریک‌های سال نو، تخم‌مرغ‌های رنگی و شیرینی و پول و پسته به کودکان می‌داده‌اند. همگی کوشش می‌کردند که در روز نوروز خنده و بازی به هزل و شوخی کنند و بیرون از شهر در آغوش طبیعت سیر و گشت نمایند. مردم سمرقند بعد از تحویل سال، مراسم زیادی را مراعات می‌کردند که اغلب آنها ویژگیهای نمادین داشتند. این مراسم‌ها با نیتی سازمان داده می‌شد که در دوام سال شادی و سرور خاندان مردم را ترک نگوید و خیر و برکت از روزگار آنان دور نباشد. طبق باور مردم این دیار، در روز نوروز اشیاء سیاه را با دست نمی‌گرفتند و حتی لمس نمی‌کردند، زیرا بر این باور بودند که چنین اقدامی شگون ندارد. چیز سیاه رمز اهریمن، دیو بدی و بدکاری محسوب می‌شد و در عوض، سفیدی رمز پاکی و نظافت و خوشنودی مبدأ نیکی قلمداد می‌شد.

مراسم نوروزی که مؤلف تصویر نموده، مراسم نوروز بین تاجیکان سمرقند در عهد سامانیان را به خاطر می‌آورد.

دانشمندان آسیای میانه، برای تحویل سال نو تقویم تنظیم می‌نمودند. در اواخر سده ۱۹ میلادی، مردم سمرقند بعد از درگذشت حاجی عمر، منجم مشهور سمرقندی، از «سالنامه»

احمد دانش استفاده می‌کردند. بر اساس نوشته‌های صاحب مقاله معلوم می‌گردد که «سالنامه» احمد مخدوم دانش خیلی دقیق بوده، در آن با در نظر داشت حرکات اجرام فلکی، وضع آب و هوا پیشگویی می‌شده است. «سالنامه» مثل تقویم سالانه ترتیب یافته، معلومات آن بر اساس گردش اجرام فلکی و موقعیت اقلیمی تعیین می‌شد. همچنین در «سالنامه» پیش‌بینی شده بود که در سال آینده آیا محصول کشاورزی پررونق و فراوانی یا خشکسالی است. گذشته از این در «سالنامه»ی احمد دانش وقت دقیق تحویل سال و طرز استقبال نوروز نیز نشان داده شده است. «سالنامه»ی احمد دانش برای کشاورزان و دامداران نیز از منفعت خالی نبوده است. این «سالنامه» همچون دستور برای مردم خدمت می‌کرده است.

باید گفت که معلومات این مؤلف در باره سالنامه‌نویسی احمد دانش تا چه اندازه به واقعیت نزدیک است، معلوم نیست. چون که اغلب «سالنامه»ها به صورت غیر حرفه‌ای تدوین می‌شدند. اما احمد دانش علاوه بر این که متفکر، مهندس، نویسنده و سخن‌پردازی شیرین کلام بود، عالمی ورزیده در عرصه فلکیات و نجوم نیز به حساب می‌آمد. او همچون برخی منجمان تخمین‌گو فال نمی‌دید، بلکه بر اساس قوانین فیزیکی و نجومی تحقیق و نتیجه‌گیری می‌کرد. از این رو، سؤال‌هایی به میان می‌آید که احمد دانش از مشاهدات و تجربه‌های خود چگونه بهره می‌گرفت و آنها را با چه راه و اصول و وسیله‌ای عملی می‌کرد؟ راه و روش و اصول نجومی او چگونه بود؟ پاسخ به این پرسشها، منوط به تحقیق پژوهشگران در این جنبه فعالیت علمی احمد دانش است.

از گفته‌های فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که جشن نوروز و سنت‌های باستانی آن از دیرباز در میان مردم ورارودان و خراسان بزرگ رایج بوده است. این موضوع را مؤلف مقاله «نوروز در سمرقند» یکصد و ده سال قبل خاطر نشان ساخته است.

تا ابتدای قرن ۲۰ حتی اگر روزگار و ایجادیات شفاهی مردم سمرقند باستانی توجه

بسیار خاورشناسان و فرهنگ‌نگاران اروپایی را به خود جلب نموده باشد، اما بخش اندکی از مواد بایگانی‌های مختلف در دسترس خوانندگان قرار گرفته است.

در این راستا، بویژه خدمات دو خواهر و برادر آ.آ. سُخاریوا و ا.آ. سخاریف خیلی نظررس است. این خواهر و برادر خاورشناس که یکی از اولین روس‌های مقیم آسیای میانه بودند و در دانشگاه دولتی آسیای میانه تحصیل کردند و سپس خودشان استاد دانشگاه شده بودند، در شهر سمرقند سکونت اختیار نموده زبان، عرف و عادات و مراسم تاجیکان را بررسی کرده، به گردآوری و تنظیم و تحقیق فولکلور تاجیکان همت ورزیدند. بعد از انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ و تأسیس حاکمیت شوراهای آسیای میانه در ردیف گروهی از روس‌های شرق‌شناس، سخاریف‌ها کارهای شایان فرهنگی را برای تاجیکان انجام داده‌اند. مخصوصاً آ.آ. سخاریوا از بین تاجیکان سمرقند و نواحی آن افسانه‌های زیادی را گرد آورده، ترجمه نموده، در مجله «لیتیراتورای اسکستوا ازبکستان» (ادبیات و هنر ازبکستان) سالهای سی در چند شماره به طبع می‌رساند و سال ۱۹۳۴ همراه برادرش سخاریف چیستان‌های تاجیکان سمرقند را گرد آورده، در کتاب «مواد فولکلوری تاجیک» (روسی) در سمرقند به نشر می‌رساند. همچنین خواهر و برادر سخاریف‌ها سال ۱۹۳۴ هشت قرینه (واریانت) افسانه «بُزک چنگله‌پا» را نشر می‌کنند. گذشته از این آ.آ. سخاریوا «سوژه‌های سیاح در افسانه‌های تاجیکی» را در سال ۱۹۲۵ در مجله دانشگاه دولتی آسیای میانه نشر می‌نماید. همچنین این بانوی پرکار تاجیک‌شناس راجع به مراسم جشن عروسی تاجیکان سمرقند دو مقاله بنیادی نوشته، در مجله بانفوذ «سویتسکایا اتنوغرافیا» (مردم‌نگاری شوروی) به طبع می‌رساند. مقاله دیگر او «Мать и ребёнок у таджиков» (مادر و طفل تاجیکان)، همچنین راجع به مسئله اماکن مقدس مسلمانان در آسیای میانه ( в К вопросу о култе мусульманских святых в Средней Азии) مقاله دیگر او که بر اساس مواد فولکلوری و مردم‌نگاری سمرقندیان تألیف

گردید، با عنوان «در باره مسئله پیدایش اماکن مقدس اصیل تاجیکان و ازبکها» ( К вопросу о генезисе профессиональных культов у таджиков и узбеков ) به دست چاپ می‌رسد که خیلی مهم بوده، به حل و فصل موضوع پیچیده پیدایش و گسترش اماکن مقدس اختصاص دارد. سال‌های سی قرن بیست این خواهر و برادر خسته‌ناپذیر، گردآوری، تدوین و تحقیق خویش را راجع به ایجادیات شفاهی بدیعی تاجیکان گسترش بخشیده، پژوهش را راجع به چیستان‌های مردمان سمرقند و نواحی آن گسترش داده، سال ۱۹۳۴ اثری علمی با نام «چیستان‌های تاجیکان سمرقند و اطراف آن» منتشر کردند و همچنین از جانب آنان همان سال «پیرامون مسئله چند واریانته تفسیر افسانه تاجیکی «ماده‌بز و هفت بزچه (بزغاله)» ( Восемь вариантов таджикской версии сказки «Коза и семеро козлят» ) را تألیف نموده، در کتاب «مطالب فولکلور تاجیک» سمرقند، ۱۹۳۴) انتشار دادند.

بعد از انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ در روسیه و تأسیس حکومت شوراهای در سمرقند، از اول سالهای بیست شماری از عالمان سمرقندی مانند استادان توره‌قل ذهنی، نذرالله بیگتاش، بقازاده، عابد عصمتی، آ.ک. پسرچیک، عبدالسلام دهاتی و شماری دیگر از بیداردلان تاجیک و روس سمرقندی به گردآوری و تحقیق و تدوین نمونه‌های فولکلور این دیار کمر همت بستند که اینجا ما راجع به فعالیت کارهای پژوهشی برخی از آنان اجمالاً ابراز نظر می‌نماییم. شادروان استاد توره‌قل ذهنی سالهای ۱۹۲۵-۱۹۲۹ هنگام کار و فعالیت در شغل آموزگاری در آموزشگاه معلمی در سمرقند و در عین حال محرر و خادم ادبی شعبه سمرقندی نشریات دولتی تاجیکستان، از دانش‌آموزان مقداری مواد فولکلوری گرد می‌آورد که اکثر آنها از راویان سمرقندی نوشته شده‌اند. بر اساس مواد به دست آورده ایشان در شماره‌های ۲ و ۳ سال ۱۹۲۸ مجله «راهبر دانش» مقاله‌ای با عنوان «ادبیات خلق» در موضوع فولکلور و اهمیت آن منتشر شد که به نمونه‌های چیستان‌های خلقی و ترانه‌های کودکان



برخی نظرها و ملاحظه‌های خویش را بیان کرده‌اند. همچنین راجع به اوزان ترانه‌های خلقی و چیستان‌های مردمی که به وزن هجایی سروده شده‌اند، ابراز نظر نموده‌اند. ت. ذهنی موادی را که از مناطق مختلف گرد آورده بود، با نمونه‌های هم‌نوع فولکلور مردم سمرقند مقایسه کرده، در پایان مقاله از شورای علمی تاجیکستان خواهش کرده‌اند که جهت گردآوری و تحقیق ایجادیات شفاهی خلق هرچه زودتر مساعدت نماید. استاد ذهنی ۷۹ سال قبل راجع به اهمیت ایجادیات شفاهی مردمی و گردآوری آنها تأکید کرده و گفته‌اند: «پس از این همه دلیل‌ها ثابت می‌شود که قسم بزرگ ادبیات خلق عصرها باز از ذهنی به ذهنی، از شهری به شهری کوچیده آمده است. خصوصاً ضرب‌المثل‌هایی که از آدمان سالخورده می‌شنویم، خیلی قدیمی است. در آخر از شورای علمی تاجیکستان خواهش و امید می‌کردیم که در باره گردآوری ادبیات خلق تشبیکار باشند، آنهایی را که در این باره هوس و شوق دارند، جلب نموده، راهبری نمایند».<sup>۲</sup>

نذراالله بیکتاش که یکی از دانشمندان واقعی تاجیکان سمرقند بود، نیز به گردآوری و تحقیق فولکلور دیار خود پرداخته است. ن. بیکتاش که سالهای اول سی به دوشنبه می‌آید، ضرورت گردآوری، تدوین و تحقیق ایجادیات خلق را یکی از مسئله‌های مهم فیلولوژی دوران شوروی تاجیک شمرده، هنوز سال ۱۹۳۰ در روزنامه «تاجیکستان سرخ»، ۱۵ دسامبر، نخستین دستورالعمل گردآوری فولکلور را به طبع می‌رساند. در این دستورالعمل بعد از درآمد سخن که ماهیت فولکلور را برای کشورشناسی و آموزش فرهنگ مردم بیان نموده، با عنوان «ادبیات ذهنکی (شفاهی) خلق را چگونه نوشتن لازم است؟» که از ۳۹ ماده عبارت است، راه و روش جمع‌آوری آثار مردمی را بیان کرده و از طریق این مراجعت‌نامه از تمام روشنفکران تاجیک خواسته است که به این کار مهم و خیلی ضروری جهت خودشناسی و غنای معنوی خلق توجه ظاهر نمایند. او اظهار کرده است که «کمیتة تاجیک‌شناسی غیر از این تعلیمات عمومی، در باره چگونه نوشته شدن نوع‌های ادبیات خلق برنامه جداگانه و دستورالعمل‌ها نشر خواهد کرد. اینچنین در باره چگونه کار کرده برآمدن این ماتریال‌ها (مواد) هر گونه مقاله‌ها نشر می‌کند. تنها اشتراک عمومی معلمان و ضیائیان (روشنفکران) باسواد و قوه عامه را در

اطراف این کار جلب کرده توانستن آنها ضرور است».

رئیس کمیته تاجیک‌شناسی بیکتاش<sup>۴</sup>

معلوم می‌شود که ن. بیکتاش به گردآوری فولکلور همدیارانش خیلی زود شروع کرده است. اما صد افسوس که مواد گردآورده او بعد از به ناحق حبس شدن وی و به سال ۱۹۳۷ به شهادت رسیدن، از بین رفته است.

همچنین استاد شادوران عبدالسلام دهاتی کار به گردآوری آثار مردم سمرقند نیز دست زده‌اند. مجموعه لطیفه‌هایی که دهاتی سالهای پیش از جنگ جهانی دوم از میان همدیارانش مواد گرد آورد و با عنوان مجموعه «لطیفه‌های تاجیکی» نشر نمود و چندین بار نیز نشر شده است، یکی از بهترین و ارزشمندترین مجموعه لطیفه‌های تاجیکی محسوب می‌شود که تا حال از اهمیت زیادی برخوردار است. گردآوری و تحقیق فولکلور تاجیکان سمرقند مدتی به برخی علل مسکوت ماند. بعد از سالهای دههٔ چهل تا سال ۱۹۵۶ کسی به این کار شریف تن نداد. با مصلحت رجب اماناف، شادروان بهرام شیرمحمداف سال ۱۹۵۶ ایجادیات شفاهی مردمان سمرقند را موضوع رسالهٔ لیسانس خود قرار داده، تابستان همان سال به طور جدی به کار گردآوری نمونه‌های فولکلور همدیاران خود همت ورزید و سال ۱۹۵۷ رسالهٔ کلان‌حجمی تألیف نمود و از آن دفاع نمود. سپس بعد از تأسیس شعبهٔ فولکلور سال ۱۹۵۸ گردآوری ایجادیات شفاهی ساکنان سمرقند وسعت یافت. سالهای بعد چندین بار با سروری ب. شیرمحمداف به مرکز شهر سمرقند و روستاها و نواحی تابع تاجیک‌نشین آن تحقیق میدانی صورت می‌گیرد که در آنها کارمندان شعبهٔ فولکلور و ادبیات شوروی، از جمله ب. شیرمحمداف سردار، ف. ذهنی، م. میرکمال‌اوا، گ. رحمت‌اوا، ر. احمداف و م. هادی‌یوا شرکت ورزیدند. سال ۱۹۵۹ تحقیق میدانی فولکلوری در سمرقند به مدت سه ماه در هیئت ب. شیرمحمداف (سردار)، ذهنی‌اوا فرخه، هادی‌یوا مهوش‌خان و نگارندهٔ این سطرها از ماه می

تا آخر ژوئیه ادامه یافت. کارهای میدانی ما در مرکز شهر سمرقند و روستاهای فارس، سینتاب، قَتَمی، اخوم، غزغان، دهبالا و مرکز نورعطا که آن سالها این روستاها تابع ولایت سمرقند بودند، ادامه یافت. این تحقیقات ثابت نمود که تاجیکان ولایت سمرقند دارای فولکلور غنی می‌باشند. در بین مردم شهر و روستاهای ولایت سمرقند شمار زیادی آثار نثری-افسانه، لطیفه، نقل و روایات، یادداشت و خاطرات گوناگون وجود دارد که برخی از آنها تاکنون ثبت شده‌اند. از آثار منظوم، دوبیتی، رباعی، غزل، مخمس، سرود و ترانه، بدیهه و مخصوصاً ترانه‌های اطفال، همچنین چیستان و معما، مقال‌ها و ضرب‌المثل‌ها و بازی‌های توأم با سرود رواج زیادی داشته است. اهالی راجع به بسیاری حیوانات، نباتات، خزندگان و پرندگان روایت‌ها می‌دانند. راجع به پیدایش حیوانات و با عقیده توتیمیست پرستش درختان و اماکن مقدس روایت‌های جالب در بین مردم انتشار یافته است. قصه و نقل و روایت‌های مردم در باره یادگاری‌های باستانی چون شاه زنده، بی‌بی‌خانم، خواجه احرار ولی، رصدخانه‌الذبیح، قلعه افراسیاب (در شهر سمرقند)، مقبره شاه مردان، قبر امام حسن و امام حسین در ناحیه نورعطا و مخصوصاً امام‌البخاری در نزدیکی ده‌بید خیلی جالب بودند.

از دانشمندان ممتاز جامع، جودت، تمهید، طلبی، اگم‌بردی‌اف، نعیم‌اف و دیگران راجع به حیات ادبی اواخر سده ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، لحظه‌های زندگی و آثار و روزگار شاعران وصلی، جُرمی؛ قُربی، سپندی، طغرل؛ پرتو و در نهایت ادیبان دوره نوین ص. عینی، ع. دهاتی، ح. یوسفی و پیرو سلیمانی خاطرات و نقل و روایت‌های جالب را نقل نموده بودند که ما آنها را ثبت نموده بودیم.

مواد گردآورده شده فولکلورشناسان راجع به مراسم‌های جشن عروسی، مرگ و ماتم، فولکلور مراسم‌های موسمی و ترانه‌های هجوی جالب توجه‌اند. مخصوصاً لحظه‌های مراسم جشن عروسی مردم ناحیه فارس خیلی جالب بودند. تقریباً تمام لحظه‌های مراسم جشن

عروسی فارشیان، خصوصیت درامی داشته، با ترانه‌های دل‌آشوب زینت یافته‌اند. مثلاً هنگام بدرقه کردن عروس به منزل داماد، ترانه ذیل به طور دسته‌جمعی خوانده می‌شد:

های عروس، های عروس

عروس می‌بریم امروز

خیز آچه (مادر) عروس آمد

نور در خاندان درآمد

های عروس، های عروس

عروس می‌بریم امروز...

مراسم ماتم و سوگواری مردم شهر سمرقند و ناحیه‌های دوردست نورعطا و فارش، موسیقی تأثیربخش دارند. ایجادگران این بخش فرهنگ مردم زنها می‌باشند. سوگ‌سروده‌های فارشیان خیلی جانگاه‌اند و بیشترین آنها را مردم به وقت مرگ نابهنگام عزیزانشان سروده‌اند. سروده‌های غنایی اهالی سمرقند دارای صنایع بدیعی و صبغة خاص مردمی می‌باشند. سروده‌های غنایی مردم سمرقند بغایت روان، ساده و دلربا بوده، با ادبیات کتابی خیلی نزدیک و قرین می‌باشند. این حادثه سبب‌های خود را دارد. چون سمرقند یکی از مراکز تمدن مردم ایرانی‌تبار می‌باشد و بسیار شاعران و ادیبان مشهور خلق تاجیک تربیت‌دیده مدرسه‌های این شهر باستانی‌اند، از این رو این حادثه به ایجادیات شفاهی آن تأثیر خود را گذاشته است.

در بین اهالی ولایت سمرقند اشعار فردوسی، حافظ، سعدی، جامی، بیدل، سیدا گسترش زیادی یافته است. مردم فرهنگ‌دوست از اشعار این بزرگان الهام گرفته در تتبع شعر آنها خود نیز اشعار جالب انشا نموده است. حال توجه شود به این شعری که آن را فولکلورشناسان سال ۱۹۵۹ از گوینده ممتاز سمرقندی سلام‌اوا ماهپاره ثبت نموده‌اند. شعر با صنعت سؤال و جواب ایجاد گردیده، روان و ساده و دلنشین است:

دلدار گفتا کیستی؟

گفتم: دعاگوی شما

عزم کجا داری بگو؟

گفتم: سر کوی شما

گفتا چرا دلخسته‌ای؟

گفتم که تیری خورده‌ام

گفتا که زد تیغ جفا؟

گفتم که ابروی شما

گفتم غزال اشک تو

افتاده دیدم روبه‌رو

گفتا کجا دیدی بگو؟

گفتم سر کوی شما

برای گردآوری و تحلیل و تدوین فولکلور مردم سمرقند خدمت شادروان بهرام شیرمحمداف خیلی بزرگ است. با کوشش و ابتکار این مرد علم و فرهنگ‌دوست و همکارانش مخصوصاً ذهنی‌اوا فرخه، ایجادیات شفاهی تاجیکان ولایت سمرقند و خصوصاً شهر باستانی آن مواد زیادی گردآوری شده، بر اساس آن در دو جلد کتاب سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ با عنوان «افسانه‌های سمرقند» و «ترانه‌های سمرقند» توسط نشریات «دانش» مجموعه‌هایی به طبع رسیده بود. در کار گردآوری و به چاپ آماده نمودن این دو جلد مجموعه فولکلور سمرقند، خدمت ف. ذهنی و م. میرکمال‌اوا را نیز باید خاطر نشان ساخت. این کتابها نشر کامل علمی بوده، نمونه‌های گوناگون نمود و ژانرهای ایجادیات شفاهی ساکنان این شهر باستانی و نواحی آن را فرا گرفته است. همان سالها بار نخست در تاریخ طبع و نشر فرهنگ

مردم کتابی به چنین سویه علمی و تازه کاری و نوجویی با عکس‌های گوینده و راویان و گردآورندگان با فهرست کامل و توضیحات کافی نشر نگردیده بود. مخصوصاً بخش توضیحات این دو کتاب قابل قید است. تدوینگران سعی و کوشش به خرج داده‌اند که راجع به این و یا آن قرینه‌های آثار مردمی به طور باید و شاید شرح و توضیح آورده، بعضی واریانت‌های آنها را از مناطق دیگر مقایسه نمایند. بر اساس مواد گردآورده فولکلورشناسان از سمرقند و روستاها و شهرستان‌های آن یک سلسله مجموعه‌های فولکلوری، مخصوصاً برای کودکان تاجیک مجموعه‌های افسانه‌ها و شعر و ترانه‌های خوب و مرغوب را با سروری رجب اماناف و بهرام شیرمحمداف کارمند شعبه فولکلور پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان به چاپ رسیده‌اند که خدمات آنان را اهل علم و فرهنگ تاجیک هیچ گاه فراموش نخواهد کرد.

#### پی‌نوشتها:

۱. دکتر رسول هادی‌زاده - سمرقندنامه، دوشنبه، ۲۰۰۲، ص ۲۰.
۲. ذهنی ت. - ادبیات خلق، مجموعه «راهبر دانش»، ۱۹۲۸، شماره ۲ و ۳ (در کتاب «چند سخن سودمند»)، دوشنبه، نشریات «عرفان»، ۱۹۸۴، ص ۶۱.
۳. عبدالخالق نبوی - نخستین دستور گردآوری فرهنگ مردمی. رودکی، شماره ۱۳، فصلنامه فرهنگ - ادبی رایتی فرهنگی ج. ۱. ایران در تاجیکستان، زمستان ۲۰۰۷، ص ۱۴۶.
۴. روزی احمداف و بهرام شیرمحمداف - فولکلور سمرقند، روزنامه «معارف و مدنیت»، ۱۷ نوامبر سال ۱۹۵۹، شماره ۱۳۶ (۱۶۵۱)
۵. روزی احمد. - رادمرد علم و فرهنگ، صدای مردم، ۲۵ مارچ سال ۱۹۹۵ ÷ شماره ۱۶ (۷۴۶)
۶. یک عمر چون ترانه، مجموعه مقاله‌ها به مناسبت جشن ۷۰ سالگی ب. شیرمحمدیان، مرتبان سادی گل عمراوا و شیرمحمدواوا فرزانه، دوشنبه، ۲۰۰۵.